



#### مقدمه

جمعیت به‌عنوان پدیده‌ای پویا، به‌طور دائم در حال تغییر، تحول و حرکت است. همچنین میزان رشد جمعیت بستگی زیادی به رابطه بین میزان مولید و مرگ و میر دارد و تا حد زیادی نیز تحت تأثیر شرایط، قوانین، آداب، سنن و هنجارهای اجتماعی است. از این رو می‌توان اضافه کرد که رشد جمعیت صرفاً یک پدیده زیستی (بیولوژیک) نیست، بلکه پدیده‌ای اجتماعی نیز هست. در این پدیده، عوامل اجتماعی و اقتصادی از قبیل سواد، سن ازدواج، میزان درآمد سرانه، پیشرفت‌های علمی و... تأثیرگذار است. در واقعیت ازدیاد بیش از حد جمعیت، این نکته تا حدودی گویا بوده که در هر جای جهان که ضریب رشد جمعیت زیاد باشد، خانواده‌ها فقیر بوده و از سطح زندگی پایین و میزان بیسوادی بالایی برخوردار هستند.

آخرین برآوردهای جمعیتی سازمان ملل، حاکی از این است که بعد از سال‌های دهه ۲۰ میلادی، جمعیت دو میلیاردی جهان به سه میلیارد در سال ۱۹۶۰ و چهار میلیارد نفر تا سال ۱۹۷۴ رسید. در مرحله آخر، تنها در مدت ۱۳ سال یک میلیارد نفر به جمعیت جهان افزوده

# نقش رادیو در پیشبرد سیاست‌های جمعیتی

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی توسعه  
پروفسور مسعود سلیمانی  
رتال جامع علوم انسانی

شد. هنگامی که جمعیت جهان از مرز شش میلیارد نفر گذشت ۹۰٪ افزایش جمعیت جهان مربوط به کشورهای در حال توسعه آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بوده است.

با ازدیاد ناگهانی جمعیت عواملی از قبیل آسیب‌های اجتماعی (فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی، بزهکاری و...) بروز یافت که فرایند پیشرفت در جوامع مورد نظر را شدیداً به خطر انداخت. این امر دست‌اندرکاران امور را بر آن داشت تا برای پیش‌گیری از گسترش این آسیب‌ها به چاره‌جویی بپردازند. در این نوشتار ابتدا نگاهی گذرا به انفجار، گستردگی جمعیت جهان و اثرات آن بر جوامع خواهیم

داشت، سپس با اشاره به توزیع جغرافیایی در ازدیاد جمعیت به شیوه‌هایی که کشورهای مختلف برای مقابله با آسیب‌های ناشی از آن به‌کار برده‌اند و نقش یگانه رادیو به‌طور کلی و رادیوهای محلی به‌طور خاص خواهیم پرداخت.

### تحولات جمعیت جهان

مدارک موجود بیانگر آن است که تا حدود ده هزار سال قبل از میلاد تقریباً همه جوامع بشری از راه شکار، ماهی‌گیری و گردآوری میوه‌های جنگلی زندگی می‌کردند. براساس همان مدارک، بیان شده است که پراکندگی جمعیت یک جامعه مبتنی بر شکار یا ماهی‌گیری به‌ندرت به تراکم متوسط یک نفر در هر کیلومتر مربع می‌رسیده است. با توجه با این اطلاعات و این حقیقت که برخی مناطق روی زمین قابل سکونت نیستند، منطقاً می‌توان حدس زد که در آستانه انقلاب کشاورزی جمعیت روی زمین نمی‌توانسته است از بیست میلیون نفر تجاوز کند. این رقم را باید به عنوان حداکثر ذکر کرد و حداقل آن را می‌توان با اطمینان در حدود دو میلیون نفر تعیین نمود. جمعیت واقعی احتمالاً بین پنج تا ده میلیون نفر بوده است. (هاکسلی، ۱۹۵۷: ۱۷۲؛ دورانت، ۱۹۵۸: ۲۹ و دیویی، ۱۹۶۰: ۷-۱۹۶)

انقلاب کشاورزی به بشر این اجازه را داد که این وضع را

است و بر طبق پیش‌بینی‌ها جمعیت جهان تا سال ۲۰۲۲ به مرز هفت میلیارد نفر خواهد رسید. امروزه درحالی که رشد کلی جمعیت جهان کاهش یافته است، تعداد نفوسی که هر ساله به جمعیت جهان افزوده می‌شود در حال افزایش است و یافته‌های جمعیتی بیانگر آن است که جمعیت جهان تا ۱۰۰ سال آینده همچنان به رشد آهسته و پیوسته خود ادامه خواهد داد. (شیخی، ۱۳۶۸: ۱۰)

بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی و جمعیت‌شناسی نسبت به فشارهای رو به تزاید جمعیت بر روی زمین هشدار می‌دهند؛ هشدار نسبت به فشار جمعیت بر محیط زیست، جنگل‌ها، خاک و سایر سیستم‌های طبیعی و تأثیر متقابل آن بر شرایط زیستی - اجتماعی جوامع بشری که این امر با ظهور حدود سه میلیارد جوان مستعد باروری و زاد و ولد ظرف بیست سال آینده قطعاً فزونی خواهد یافت.

از نظر جمعیتی جهان امروز در نهایت به دو گروه عمده تقسیم شده است: گروه اول کشورهایی هستند که رشد جمعیت در آنها بسیار کم است و یا اصلاً رشد جمعیت ندارند. در این کشورها شرایط زندگی در آنها مطلوب و سطح رفاه مردم در حد بالایی محاسبه می‌شوند (کشورهای توسعه‌یافته) گروه دوم کشورهایی هستند که دارای رشد جمعیت بالا بوده و به همان میزان شرایط زندگی آنها روز به روز وخیم‌تر می‌گردد (کشورهای

بیسوادی و ناآگاهی از یک سو باعث ازدیاد جمعیت شده و از سوی دیگر ازدیاد جمعیت و نبود امکانات لازم برای جمعیت بوجود آمده باعث بازتولید بیسوادی می‌شود و دور باطل ایجادشده همچنان ادامه می‌یابد.

توسعه‌نیافته و درحال توسعه در آسیا و آفریقا). ویژگی‌های جمعیتی این گروه از کشورها عبارتند از (آشفته تهرانی، ۱۳۸۴: ۳۰):

- بالا بودن میزان رشد جمعیت که بین ۳٪ تا ۴٪ در سال است.
- بیش مرگ و میری در جمعیت بین ۱۵ تا ۲۰ در هزار.
- میزان بالای بیسوادی بین ۳۵٪ تا ۵۰٪.
- بیکاری پنهان و بیکاری آشکار و اشتغال ناقص که همواره میزان تولید ملی و درآمد ملی را در ترازگاه فرودین نگه می‌دارد.
- برای اثبات ویژگی فوق در بعد آموزش که یکی از پایه‌های بحث ما را شکل می‌دهد، کافی است نگاهی به آمارهای مستند موجود در این زمینه بیفکنیم. در سال ۱۹۸۵ حدود ۹۸٪ بیسوادان جهان در کشورهای درحال توسعه قرار داشتند که ۶۶۶ میلیون نفر از آنها در آسیا و ۱۶۲ میلیون نفر در آفریقا و ۴۴ میلیون نفر در آمریکای لاتین و حوزه کارائیب بودند. همچنین در آن سال

دگرگون کند. جمعیت انسان‌ها به طرز قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. گرچه افزایش جمعیت را می‌توان ناشی از انقلاب کشاورزی به شمار آورد، ولی باید این نکته را نیز در نظر داشت که خود انفجار جمعیت بر پیشرفت انقلاب کشاورزی تأثیرگذار بوده است. با پیشرفت مادی بشر امکان بقا و افزایش نسل نیز مرتباً افزایش می‌یابد. نقطه عطف این فرایند را می‌توان وقوع انقلاب صنعتی در نظر گرفت. انفجار واقعی جمعیت جهان در همین دوره به وقوع پیوست که نتیجه تسلط انسان بر محیط پیرامون بود. در سال ۱۷۵۰ جمعیت کل جهان بین ۶۵۰ تا ۸۵۰ میلیون نفر برآورد شده است. در ۱۸۵۰ این رقم بین ۱۱۰۰ تا ۱۳۰۰ میلیون و در ۱۹۰۰ تقریباً ۱۶۰۰ میلیون بوده است. در ۱۹۶۰ این رقم به بیش از ۳۰۰۰ میلیون نفر رسیده است. (چی پولا، ۱۳۳۶: ۱۱۰-۱۰۸)

هم‌اکنون جمعیت جهان از مرز شش میلیارد نفر گذشته

۶۰٪ از بیسوادان را زنان تشکیل می‌دادند. بین سال‌های ۶۵-۱۹۵۰ در کشورهای رو به توسعه ۲۰۰ میلیون بزرگسال خواندن و نوشتن را آموخته‌اند. ثبت‌نام در مقطع ابتدایی نیز از ۶۶ میلیون نفر به ۱۵۳ میلیون نفر و در آموزش متوسطه از هشت میلیون به ۳۰ میلیون نفر و در آموزش عالی از کمتر از یک میلیون به ۳۰۸ میلیون افزایش یافته است. اما این پیشرفت به هیچ عنوان با رشد جمعیت هماهنگی نداشته است. از سوی دیگر در دبستان‌های ابتدایی در اروپا و آمریکا حضور دانش‌آموزان به ۱۰۰٪ می‌رسد، حال آنکه این میزان در آفریقا ۴۰٪، در آسیا ۵۵٪ و در آمریکای لاتین ۷۵٪ است. همچنین آموزش متوسطه در این کشورها به ترتیب ۱۵٪، ۳۰٪ و ۳۵٪ است، در صورتی‌که این نسبت در اروپا ۶۵٪ است. در بسیاری از کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین و آسیا بیش از نیمی از دانش‌آموزان دبستانی پس از دو سال تحصیل را رها می‌کنند. در ۱۹۸۵، در آفریقا بالاترین میزان بیسوادی ۵۴٪ و در آسیا ۳۶/۶٪ بوده است. بیشتر بیسوادان جهان در سرزمین‌های روستایی و یا پیرامون ابرشهرها و در حاشیه‌ها و زاغه‌ها زندگی می‌کنند.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که رابطه مستقیم میان نسبت بیسوادی در سطح ملی و روستانشینان بیسواد (در مقایسه با

### انفجار جمعیت، رشد شهرنشینی و مهاجرت‌های روستایی

این تصور قدیمی که کشورهای رو به توسعه عمدتاً جوامع کشاورزی هستند، امروزه رو به فراموشی است. بزرگترین شهرهای جهان متعلق به کشورهای رو به توسعه است. در سال ۱۹۵۰ میلادی تنها چهار شهر از مجموع ۱۵ شهر بزرگ جهان به کشورهای در حال توسعه تعلق داشت. در حالی که در سال ۲۰۰۰ ۱۲ شهر از ۱۵ شهر بزرگ جهان در کشورهای در حال توسعه قرار دارند. بر پایه بررسی‌های صورت‌گرفته در ۴۰ سال اخیر رشد جوامع شهری در کشورهای رو به توسعه تقریباً دو برابر رشد مشابه در کشورهای توسعه‌یافته است. افزایش مطلق در تعداد ساکنان شهری کشورهای رو به توسعه به مراتب بیش از افزایش مشابه در کشورهای توسعه‌یافته در همان دوره بوده است. بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ جمعیت شهری کلیه کشورهای رو به توسعه در حدود ۶۵۰ میلیون افزایش یافته است. این در حالی است که کل جمعیت شهری در کشورهای صنعتی در ۱۹۵۰ کمی بیش از ۳۰۰ میلیون نفر بوده است. (شیخی، ۱۳۶۸: ۲۲)

با وجود رشد سریع شهرها سهم جمعیت شهری کشورهای رو به توسعه امروزه آنقدرها سریع افزایش نمی‌یابد. این امر به



دلیل رشد فزاینده جمعیت روستایی است. در کشورهای با درآمد سرانه پایین که پراکندگی جمعیت در روستاها بیشتر است، جمعیت همچنان به رشد فزاینده خود ادامه می‌دهد. ریشه این امر را می‌توان در عوامل فرهنگی و نیز شرایط ناشی از محیط زندگی جست‌وجو کرد. واضح است که روستائیان به خاطر شرایط خاص جغرافیایی نسبت به شهرها اکثراً از مراکز آموزشی به‌دور هستند و یا در طی فرایند آموزش با مشکلات فراوانی مواجه‌اند. این امر باعث پایین‌بودن سطح سواد و آگاهی نسبت به امور مختلف از جمله مسائل جمعیتی در بین جماعت است. از سوی دیگر ازدواج در سن کم و در نتیجه طولانی‌شدن دوره باروری و استفاده از فرزندان به عنوان نیروی کار، میل شدیدی به فرزندآوری را باعث می‌شود. همچنین وجود برخی باورهای مذهبی مانع از فرایند کنترل جمعیت می‌شوند، زیرا این آیین‌ها بالابودن تعداد فرزندان را در میان جمعیت‌های روستایی موجب می‌گردند. (آشفته‌تهرانی، ۱۳۸۴: ۳۳)

شهرنشینان بیسواد) برقرار است. یعنی هرچه بیسوادی در سطح ملی بیشتر باشد، نسبت روستائیان بیسواد بالاتر است. بیسوادی و تنگدستی و ناداری همراه یکدیگرند. هرچا بیسوادی هست، تنگدستی هست و هر اندازه دامنه بیسوادی فراختر باشد، دامنه ناداری و تنگدستی هم گسترده‌تر است. بیسوادی و ناآگاهی از یک سو باعث ازدیاد جمعیت شده و از سوی دیگر ازدیاد جمعیت و نبود امکانات لازم برای جمعیت بوجود آمده باعث بازتولید بیسوادی می‌شود و دور باطل ایجادشده همچنان ادامه می‌یابد. (بنی‌هاشم، ۱۳۷۲: ۵۰۴)

آموزش به‌منزله جنگ‌افزار در برابر فقر است. جامعه هشیار و پویا جامعه‌ای است که به فکر تلاش برای سوادآموزی به همه بیسوادان خود باشد. کوچکترین کاهلی در این زمینه به زیان کشور و جامعه است. (آشفته‌تهرانی، ۱۳۸۴: ۶۹)

ازدیاد جمعیت روستایی و نبود منابع و ساز و کارهای لازم جهت سازماندهی این جمعیت در روستاها زمینه‌ساز بروز پدیده مهاجرت است که خود متضمن ایجاد بسیاری از آسیب‌های شدید اجتماعی است. بنا بر گزارش سازمان خواربار جهانی (FAO) حدود ۷۰۰ میلیون جمعیت روستایی کشورهای رو به توسعه در فقر به سر می‌برند. (PPN، ۲۰۰۰)

به سختی می‌توان پیش‌بینی کرد که وضعیت کشورهای رو به توسعه به زودی بهبود یابد. این امر در روستاهای آفریقا حتی شدیدتر از روستاهای آسیاست. با توجه به پایین‌بودن رشد اقتصادی این مناطق و ازدیاد جمعیت روزافزون، به‌طور مرتب به تعداد این افراد فقیر افزوده خواهد شد. این تراکم جمعیت باعث مهاجرت مداوم روستائیان به شهرها به ویژه در کشورهای جهان سوم می‌شود که دشواری‌های فراوانی را به دنبال دارد و سرچشمه نابسامانی‌ها، بیماری‌ها و کج‌رفتاری‌ها قرار گرفته است. نخستین دشواری‌ای که کوچندگان روستایی به وجود می‌آورند، کمبود مسکن است. این کوچندگان بیشتر پیرامون شهرها در خانه‌هایی که با خشت و گل ساخته شده و یا در زاغه‌ها

**رادیو به‌عنوان رسانه‌ای با داشتن قابلیت‌ها و ویژگی‌هایی متفاوت از دیگر رسانه‌ها، یعنی رسانه‌ای فاقد متن یا تصویر که حاوی کلام، صدا و موسیقی است، تلاش می‌کند تا پیام‌ها را با کمترین درجه اختلال و ابهام به مخاطبان خود ارائه کند.**

و کاروانسراها و یا در محله‌های پست و آلوده، ساکن می‌شوند. وضع این خانه‌ها از نظر بهداشتی به هیچ‌عنوان مناسب نیست و باعث شیوع بیماری‌های واگیردار می‌گردد. همچنین فقدان تناسب اخلاقی در میان تازه‌واردان کوچنده که خود را از قید و بندهای زندگی در محیط اصلی خود آزاد می‌بینند و همچنین معاشرت با مردمی که معمولاً در این مناطق زندگی یا کار می‌کنند، باعث افزایش کج‌روی‌ها و جرایم و رواج روسپیگری، قاچاق مواد مخدر، خودکشی و دیگر انحرافات اجتماعی می‌گردد (آشفته‌تهرانی، ۱۳۸۴: ۵۱). هزینه بالای زندگی در کلان‌شهرها و بیکاری و نبود درآمد مناسب برای مهاجران نیز زمینه‌های انحراف اجتماعی را تشدید می‌کند.

کشورهای مختلف برای جلوگیری از رشد جمعیت و به تبع آن کاهش مهاجرت و همچنین کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن، سیاست‌های مختلفی را اعمال کرده‌اند که اکثراً دستوری و مبتنی بر اعمال فشار از بالا بوده است. اما بر همگان روشن است که نکته اساسی در پذیرش هر سیاست و راهکار، در ابتدا آمادگی ذهنی (ویژگی نرم‌افزاری) جامعه هدف است که این امر

با توجه به ویژگی‌های جامعه هدف در امر کاهش جمعیت، یعنی جوامع روستایی، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. بسیاری از جامعه‌شناسان و محققان توسعه که در مکتب نوسازی روانی قرار دارند پایه اولیه هر گونه تغییری را آماده‌شدن روانی افراد جامعه برای پذیرش ایده‌ها و تغییرات نوین می‌دانند.

برای تحقق یافتن اهداف توسعه، انسان‌هایی مورد نیاز هستند که ذهن، باور و نگرش آنها متحول شده باشند (عظیمی، ۱۳۸۴: ۱۷۷). آموزش نیروی انسانی به دلیل آنکه در اجتماعی شدن افراد مؤثر است و باعث سهولت در پذیرفته‌شدن ایده‌های جدید می‌شود، بسیار مورد توجه است. (گیلیس و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۷۸)

واحد تحلیل جامعه‌شناسان در حوزه نوسازی روانی نظام‌های شخصیتی افراد در جوامع سنتی و مدرن است. نظریه‌پردازان این حوزه نقطه شروع نوسازی را در نوسازی انسان و نظام شخصیتی او می‌دانند. صاحب‌نظرانی چون لرنر، اینکلس و اسمیت، مک‌کله‌لند، هیگن و راجرز که اکثراً در زمینه توسعه کشورهای جهان سوم فعالیت کرده‌اند، جزو این دسته هستند. (ازکیا، ۱۳۸۱: ۱۰۷)

همانگونه که گفته شد از اساسی‌ترین ویژگی‌های جوامع روستایی که بر رشد بی‌وقفه جمعیت تاثیرگذار است، بیسوادی و ناآگاهی، باورهای خرافی و نیاز به نیروی کار است. پس اولین قدم برای مهار جمعیت، تغییر نگرش و باورهای مردمی است که به باوروری در سطح بالا معتقدند. اولین ابزار جهت تغییر نگرش و شیوه رفتاری، آگاه‌سازی و آموزش این گروه از افراد است. اما با توجه به شرایط مناطق روستایی در جهان سوم از قبیل دورافتادگی جغرافیایی از مراکز، فقر و پیامدهای ناشی از آن، نبود امکانات آمدو شد و نبود امکانات تکنولوژیک نوین، بهترین و آسان‌ترین راه برقراری ارتباط استفاده از وسایل ارتباط-جمعی است.

با یک بررسی اجمالی می‌توان به این نتیجه دست یافت که استفاده از بسیاری از وسایل ارتباط‌جمعی به سهولت در روستا و مخصوصاً روستاهای کشورهای درحال توسعه امکان‌پذیر نیست. با وجود سطح بالای بیسوادی در میان روستائیان، روزنامه‌ها از کارکرد چندانی در جهت آگاه‌سازی و آموزش در حیطه‌های مختلف از جمله سیاست‌های جمعیتی برخوردار نیستند. تلویزیون به دلیل فقدان پوشش ماهواره‌ای و ماکروویو و یا در صورت وجود پوشش به دلیل هزینه بالا جهت خرید امکانات گیرنده (دستگاه تلویزیون و غیره) چندان مؤثر نخواهد بود.

فناوری‌هایی همچون اینترنت، شبکه‌های داخلی (اینترانت)، ماهواره و غیره نیز وضعیتی کاملاً مشخص دارند. این فناوری‌ها علاوه بر آنکه نیاز به تجهیزات پایه نسبتاً گرانی دارند، به سواد عمومی نسبتاً بالا و آشنایی با زبان‌های خارجی و اطلاعات فنی مکفی هم نیازمندند که قطعاً با توجه به شرایط موجود در روستاهای کشورهای درحال توسعه استفاده از آنها ناممکن است. اگر به شرایط فوق، زمان‌بر بودن استفاده از این وسایل ارتباطی و این نکته که استفاده از آنها مستلزم عدم مشغولیت به انجام



کارهای دیگر است را نیز بیفزاییم، کارایی اندک وسایلی از این دست در این مناطق کاملاً مشخص خواهد شد.

علیرغم پیشرفت وسایل ارتباط جمعی هنوز ۶۶٪ از جمعیت جهان فقط به وسایل اساسی و ساده ارتباط از راه دور دسترسی دارند. این گروه نیازمند خدمات سریع‌تر، ارزان‌تر و مفیدتر از طریق همین وسایل ساده هستند تا نیازهای آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنها برطرف شود.

رادیو به‌عنوان رسانه‌ای با داشتن قابلیت‌ها و ویژگی‌هایی متفاوت از دیگر رسانه‌ها، یعنی رسانه ای فاقد متن یا تصویر که حاوی کلام، صدا و موسیقی است، تلاش می‌کند تا پیام‌ها را با کمترین درجه اختلال و ابهام به مخاطبان خود ارائه کند. (باقریان، ۱۳۸۲: ۹۶)

ویژگی‌های خاص رادیو آن را به بهترین ابزار برای ایجاد ارتباط شفاف، صریح، بی‌پیرایه و قابل فهم عمومی تبدیل می‌کند. یکی از این ویژگی‌ها قابلیت انحصاری رادیو از جهت سهولت دستیابی فراگیر به آن است. قابلیت اختصاصی دیگر شنیداری- بودن محض آن است. این بدان معناست که مخاطب قادر به دریافت پیام‌هاست، بدون آنکه ناچار به ترک فعالیت‌های دیگر

به عنوان مثال چین برای مقابله با افزایش بی‌رویه و شدید رشد جمعیت در کشور خود، از یک سو سیاست تک فرزندی اجباری را در پیش گرفت و از سوی دیگر برای کنترل و تثبیت جمعیت شهری خود کنترل‌های شدیدی را اعمال کرد. این امر از سال ۱۹۵۰ آغاز و به صورت اجازه سفر و کارت جیره‌بندی غذا در نقاط خاصی از کشور به کار گرفته شد. محدودیت‌هایی نیز برای استخدام نیروهای روستایی در شهرها اعمال شد. (شیخی، ۱۳۶۸: ۲۷)

کنترل‌های ملایمی بر جمعیت اندونزی و فیلیپین نیز به عمل آمده که شامل موانع بوروکراتیک برای مهاجرت به شهرها بود. رادیو در اشاعه، تبلیغ و فرهنگ‌سازی جهت این برنامه‌ها و برنامه‌های مربوط به بهداشت خانواده و کنترل موالید نقشی گسترده داشته است. همین وسیله ارزان و سهل‌الوصول اما کارآمد منجر شده است میانگین رشد سالانه جمعیت کشورهایی چون چین و سریلانکا به ۱/۲۰ و ۱/۴۴ تنزل یابد. (همان: ۸۶)

رادیو به عنوان وسیله مهم آموزشی در تاریخ آموزش و پرورش نوین نقشی بسیار مهم و بسزا داشته است. در اروپا و آمریکا از سال‌های ۱۹۲۰ میلادی به بعد رادیو سهم عمده‌ای در ترویج و



پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

خود باشد.

رادیو حتی می‌تواند به صورت محلی و با شناخت کامل از نیازهای مخاطبان و در ارتباط مستقیم و کمترین فاصله از مخاطب محلی خود شکل گیرد تا از یک سو هزینه‌های اجرایی کاهش یابد و از سوی دیگر آموزش‌های ارائه‌شده در رادیو با نیازهای محلی همساز باشد. این امر همچنین منجر به آن می‌شود تا کمترین اصطکاک ممکن میان برنامه‌های رادیو و فرهنگ محلی پیش آید.

اهمیت و نقش رادیو به صورت کلی و رادیوهای محلی به صورت خاص در فرایند آموزش و آگاه‌سازی جوامع هدف و خصوصاً در هدایت سیاست‌های جمعیتی را می‌توان در تجربیات کشورهای مختلف بررسی کرد.

اشاعه آموزش و پرورش در ابعاد مختلف (آموزش از راه دور تحصیلی، برنامه‌های فراگیر بهداشتی، آموزش‌های کشاورزی، حقوقی و غیره) داشته است.

کشوری نظیر ژاپن از سال ۱۹۵۶ به بعد بهره‌برداری‌های مهمی از رادیو در امر تدریس و تنظیم برنامه‌های تحصیلی و دیگر امور مهم زندگی نموده است.

برای پی‌بردن به گستره ویژگی‌ها و نقش آفرینی رادیوی محلی لازم می‌نماید تا ابتدا تعریفی اجمالی از این رادیو ارائه دهیم. رادیوهای محلی در اصطلاح به رادیوهایی گفته می‌شود که به صورت خودگردان و با هدف کمک به بهبود شرایط اجتماعی و فرهنگی یک محله، منطقه، یا مردم دارای هدف‌های مشترک اداره می‌شود.

رادیوهای محلی وسیله ارتباطی مؤثری برای دسترسی به خیل جمعیت کم‌سواد و بی‌سواد به خصوص در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه‌اند. این رادیوها ظرفیت بسیار بالایی در جهت ارائه برنامه‌های آموزشی و خدماتی متناسب با نیازهای مردم محلی به زبان محلی دارند. (داگرون، ۲۰۰۲)

در ضمن رادیوهای محلی از نظر تشویق مردم به ارائه نظرها، گزارش‌ها و معرفی دیدگاه‌های خود درباره موضوع‌هایی که در آن تخصص دارند و یا به صورت مستقیم با آن مسائل، یا مسائلی که بر زندگی‌شان تأثیر دارد در ارتباطند، از پتانسیل بالایی برخوردار هستند و این امر خود نوعی فعالیت در جهت توانمندساختن مردم است. بنابراین رادیوهای محلی در مقایسه با دیگر رسانه‌ها می‌تواند امکان بیشتری برای ایجاد تغییر و تحول و یا اصلاحات اجتماعی داشته باشند. در ادامه تجربیاتی چند در زمینه کارکرد آموزشی رادیوهای محلی در سطح جهان به اختصار بیان می‌شود.

در فیلیپین رادیو تامبولی به ارائه برنامه‌های آموزشی و تربیتی مختلف و حتی سمینارهای رادیویی می‌پردازد. در ماداگاسکار نیز دو ایستگاه رادیویی به پخش برنامه‌های آموزشی و تربیتی، اجتماعی و فرهنگی متناسب با نیازهای روز مردم محلی می‌پردازد. در کشورهای هند و نپال نیز نیاز عمیق به آموزش سبب شکل‌گیری رادیوهای محلی شده است. این رادیوها نقش بسیار مهمی در ایجاد تحولات اجتماعی و فرهنگی داشته است و موجب پیشرفت چشمگیری از جمله در آموزش‌های بهداشتی و جمعیتی شده است.

ایجاد رادیوهای محلی به وسیله NGOها خود نمونه‌ای از بالا رفتن سطح آگاهی و لزوم اهتمام به آموزش گروه‌های هدف است. دولت‌ها نیز در مواردی به ایجاد این رادیوها اقدام کرده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان از رادیوهای محلی نام برد که در اوایل دهه ۱۹۸۰ در بوریکنافاسو توسط دولت ایجاد شد. دولت مکزیک نیز از توسعه رادیوهای محلی حمایت می‌کند و ۲۴ رادیوی محلی برای شش میلیون مخاطب، با زبان‌های محلی برنامه پخش می‌کنند. بخشی از بودجه رادیوی محلی کوتماله در سریلانکا نیز از سوی دولت تأمین می‌شود. تجارب فوق خود اهمیت رادیو و رادیوهای محلی برای مردم و دولت‌ها، در جهت رسیدن به اهداف مورد نظر در ابعاد مختلف را نشان می‌دهند. یکی از مهمترین اهدافی که می‌توان با استفاده از رادیو بدان دست یافت، پیشبرد سیاست‌های جمعیتی است.

### نتیجه

جمعیت یکی از عناصر اساسی حیات ملی است و هیچ کشوری بدون جمعیت سامان نمی‌یابد. جمعیت پشتوانه ملی، اقتصادی و آزادی کشور را تضمین می‌کند. از این روی ماندگاری یک ملت و یک کشور بسته به آن است. اما رشد ناموزون جمعیت و

ناهماهنگی آن با پیشرفت‌های بخش‌های دیگر کشور، جمعیت را از یک فرصت به یک تهدید بزرگ تبدیل می‌کند. این امر با توجه به تحولاتی که در این نوشتار ذکر شد در بسیاری از کشورها، به خصوص در روستاهای کشورهای فقیر و در حال توسعه رخ داد و آسیب‌های فراوانی را باعث شد. یکی از عوامل اساسی بروز این آسیب‌ها بیسوادی و ناآگاهی ناشی از شرایط موجود به شمار آمد و لزوم اهتمام به رفع این امر اثبات شد. با توجه به شرایط موجود در روستاها بهترین وسیله برای آغاز این آموزش‌ها بر مبنای کارایی، رادیو به‌ویژه رادیوهای محلی شناخته شد.

ویژگی‌های منحصر به فرد ذکر شده در مورد رادیو منجر شده است که رادیو همچنان به عنوان ابزار ارتباطی قوی مورد استفاده قرار گیرد. رادیو امروزه هر چه بیشتر نه در قالب یک رسانه همگانی بلکه در غالب یک رسانه (community) محلی به جماعت‌ها و گروه‌های خاص سرویس‌های خدماتی آموزشی و تفریحی می‌دهد و از نظر سهولت دسترسی به گروه‌ها و اجتماعات هیچ رسانه دیگری توانایی رقابت با رادیو را ندارد. همین دلایل است که در مجموع باعث شد با وجود انواع فناوری‌های ارتباطی باز هم میزان مصرف و اقبال عمومی از رادیو کاهش نیابد و به نوعی این رسانه در رأس دیگر رسانه‌ها قرار داشته باشد.

یکی از کارکردهای آموزشی رادیو که می‌تواند نقش مهمی در سامان اجتماعی داشته باشد، ارائه آموزش‌های جمعیتی و تنظیم خانواده است، به‌ویژه در مناطق روستایی و دور دست که رشد جمعیت زیادی دارند و از سواد و آگاهی لازم در مورد تنظیم خانواده برخوردار نیستند.

### منابع:

- آشفته تهرانی، امیر. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی جهان سوم: پیام نور ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی توسعه: کلمه.  
باقریان، فاطمه. (۱۳۸۲). «رادیو در دسترس‌ترین رسانه»، فصلنامه ارتباطات و فرهنگ، شماره ۱  
بنی‌هاشم، فروغ‌السادات. (۱۳۷۲). «بی‌سوادی و پیامدهای آن»، ماهنامه جهاد، سال سیزدهم، شماره ۱۶۴  
چی‌پولا، کارلو. (۱۳۳۹). تاریخ اقتصادی جمعیت جهان، (ترجمه اصغر سرقینی): دانشگاه صنعتی شریف  
شیخی، محمدتقی. (۱۳۶۸). جامعه‌شناسی جمعیت: سفیر عظیمی، حسین. (۱۳۸۴). مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران: نی کرایسل، اندرو. (۱۳۸۱). درک رادیو، (ترجمه معصومه عصام): تحقیق و توسعه صدا گیلیس و دیگران. (۱۳۸۴). اقتصاد توسعه، (ترجمه غلامرضا آزاد ارمنکی): نی  
Huxley, 1957, p172; Durand, 1958, p29; deevay, 1960, pp196-7  
Population programme news/jun2000  
Dagron, A.G. (2001) making waves stories of participatory communication for social change, a report to the rockefeller foundation, ISBN:0826412769 www.smallvoice.com

